

تبلیغات رسانه‌ای وهابیان

با نگاه تحلیلی به متون وهابیان

۱۹



احمدی رشاد^۱

دیباچه:

استفاده شایان از اینترنت، به رغم فواید و زیان معمول، ضرورت تحلیل متن‌های دینی در سایت‌ها و وبلاگ‌ها را به‌ویژه برای دینداران و کسانی که دغدغه دینی و مذهبی دارند، عیان می‌سازد. ورود در فضای مجازی، دنیای وسیعی از اطلاعات انبوه، متنوع، و متفاوت با آنچه که ذهنیت دینداران با آن مانوس است، را به نمایش می‌گذارد؛ آن‌سان که بی‌نظمی در جغرافیای معلومات و داده‌های دینی در اینترنت، ذهنیت نابهنجاری را در میان دینداران، نیز رقم می‌زند.

وهابیان از آن جمله گروه‌های مذهبی می‌باشند که از اینترنت به شکلی گسترده استفاده می‌کنند. آنان با داشتن گرایش مذهبی خاص و برپایه تلقی خود از توحید اسلامی، روایت‌های جزمی و تفرقه‌آمیزی از رویدادهای تاریخی اسلام در متن‌های اینترنتی ارائه می‌دهند، و حتی به گونه‌ای صریح، به تکفیر پیروان برخی مذاهب اسلامی می‌پردازند. در سنت دینی به‌ویژه در قرون نخستین، همزیستی مسالمت‌آمیز مذهبی توأم با صلح و برادری دینی در میان مذاهب اسلامی حاکم بوده است و کمتر، به تکفیر

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات در جامعه‌المصطفی.

هم پرداخته‌اند. اما روایت‌های نابهنجار از رخداد‌های صدر اسلام، و وقایع تاریخی و سیاسی بعد از پیامبر اسلام ﷺ، استحکام استناد منابع دینی و قرآنی را مخدوش جلوه داده. بنای فرهنگ دینی و مذهبی را سست و بی‌بنیاد نشان می‌دهد. اگر هرکسی بر پایه تفاسیر و ذوق شخصی، تلقی خاصی از آیات و احادیث دینی داشته باشد و آن را تنها تفسیر صحیح اسلامی هم بداند و دیگر تفاسیر دینی را غلط و بی‌اساس اعلام نماید، در حقیقت استحکام قرآن و احادیث دینی را زیر سؤال برده است.

از همین رو تحلیل تطبیقی گونه‌های روایی موجود در اینترنت، با روایت‌های اصیل تاریخی عیان می‌گردد؛ به‌ویژه متن‌های اینترنتی «وهاییان» که در برخی موارد تعارضات آشکار و پنهانی را با رخداد‌های تاریخی صدر اسلام، نشان می‌دهد. بنابراین، قلم حاضر تلاش نموده است تا در حد توان خود، به تحلیل متن‌های اینترنتی «وهاییان» پرداخته، از شگردهای تبلیغاتی، و تعارض‌های آشکار و نهان این متن‌ها با متن‌های دینی اصیل و متقن، پرده برداری نماید.

تحلیل انتقادی متن‌های تبلیغاتی

در اینجا به تعریف مفاهیمی پرداخته شده است که برای شناسایی متن‌های تبلیغاتی و شگردهای به کار رفته در آن، مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع، ساختار متن‌ها را مورد واکاوی قرار می‌دهد تا از درون ساختار و چینش کلمات، اغراض و اهداف پنهان آشکار گردد و شگردهای تبلیغاتی مورد شناسایی قرار گیرد. از همین رو، چهار مفهوم اساسی، نیازمند تعریف دقیق می‌باشد که عبارت‌اند از: «تحلیل همنشینی»، «تحلیل جاننشینی»، و «تحلیل آیینی». متن‌های الکترونیکی و اینترنتی وهاییان، و ناهنجاری.

۱. همنشینی؛

منظور از تحلیل «همنشینی» شکل دادن زنجیرهای از رویدادهای تاریخی است که با همدیگر ارتباط پیوسته دارند و حیات و شکوفایی خود را مدیون این پیوستگی هستند؛ دقیقاً مثل سبزی‌نگی و شادابی شاخه‌های درختی که آن را از ریشه‌ها وام دار است. اگر ریشه‌های درختی را قطع کنید، دیگر شاخه‌ها چوب‌های خشک و بی‌طراوتی خواهند

بود. همچنین اگر شهر و روستایی را در نظر بگیرید، زمانی معنای «شهر» و «روستا» از این خانه‌ها و منازل به لحاظ صوری استنباط می‌شود که انبوهی از ساخت و سازهای مترکم، در همسایگی و پیوستگی با هم شکل گرفته باشد؛ وگرنه اگر این خانه‌ها کیلومترها از هم فاصله داشته باشند، از آن، معنای «شهر» یا «روستا» استنباط نمی‌شود. در متن‌ها و گونه‌های روایی نیز زمانی «معنا» از آن استنباط می‌گردد و روایتی خاص شکل می‌گیرد که به آن متن و روایت، به قول سوسور «همچون سلسله‌ای از رویدادها که نوعی روایتی خاص را می‌سازد»^۱ باید نگاه شود. اگر روایتگری رویداد تاریخی غدیر را به طور مجزا و بریده از آیات «ابلاغ» و «اکمال» روایت می‌کند، این روایت، نقل دقیقی نیست. زمانی روایت غدیر، مستند و قابل اتکا می‌باشد، که تمامی عناصر داستان، قرائن و شواهد، در کنار هم چیده شده باشد. بنابراین، تحلیل «همنشینی» متن‌های تبلیغات رسانه‌ای وهابیان، یعنی کنار هم چیدن عناصر اصلی داستان و رخداد، که غالباً در روایت‌های متنی وهابیان در رسانه، به طور عمد با دستکاری جریان روایی، پنهان نگهداشته می‌شود، و یا از متن داستان به طور کامل حذف می‌گردد. از همین رو برای تحلیل رخدادهای تاریخی مسلمانان و میراث مشترک تمامی مذاهب اسلامی، نیازی مبرم و حیاتی به تحلیل «همنشینی» وجود دارد.

۲. جانشینی؛

به بیان ساده، تحلیل «جانشینی» متن‌ها عبارت است از شکل دادن مجموعه‌ای از تقابل‌ها و تضادها؛ تا از آن، معنا استخراج گردد و به بیان دقیقتر: به نوعی مقایسه متن‌ها و کشف الگوهای پنهان می‌پردازد. در تحلیل‌های کیفی، روش‌های مختلفی مورد آزمایش قرار گرفته است؛ از جمله به فن «مقایسه دائمی» می‌توان اشاره نمود. این فن نخستین بار توسط گلازر و استراوس (۱۹۶۷) به کار گرفته شد و بعدها دیگران اصلاحاتی در آن پدید آوردند.^۲ تحلیل «جانشینی» در واقع، همان فن مقایسه دائمی

۱. آسبرگر، آرتور، روش‌های تحلیل رسانه‌ای، ترجمه پرویز اجاللی، ص ۳۲، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳.

۲. راجردی ویمر و جوزف دومینیک، تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه کاووس سید امامی، ص ۲۱۶، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۴.

متن‌هاست؛ تا معنا از طریق تضادها و تقابل‌های متن‌های رسانه‌ای به دست آید. تحلیل جانشینی بر سه پایه و رکن اساسی استوار است که به قرار ذیل است:

۱. جانشین ساختن و مقایسه نمودن متن‌ها با رخدادهای اجتماعی؛
۲. کشف رابطه متن‌ها و رخدادهای که روشن شود چه نوع ارتباطی باهم دارند؛
۳. نتیجه‌گیری و تحلیل متن‌ها بر اساس رابطه متن‌ها و رخدادهای.

گونه‌های روایی یا نقل داستان تراژدیک و غمبار مذاهب اسلامی در متن‌های رسانه‌ای وهابیان، روایت و متنی است که در مقایسه با داده‌های علمی، تاریخی، آموزه‌های اسلامی، قرآن، عقل و سیره معصومان علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گیرد، و این مهم زمانی محقق خواهد شد که مراحل سه گانه فوق، در تحلیل و بازشناسی متن‌های رسانه‌ای، مورد توجه قرار داده شود. بنابراین، تحلیل «جانشینی» متن، یعنی شکل دادن تقابل‌ها و مقایسه آنها با هم برای کشف رابطه‌ها و الگوهای پنهان متن.

۳. آیینی؛

بررسی و تحلیل «آیینی» یک متن، این امکان را به مخاطبان می‌دهد، تا میزان هماهنگی معنای متن را با آنچه در دین به عنوان معیار «متن» و استانداردهای «مقدس» وجود دارد، کشف نماید؛ که اگر گونه‌های روایی متن با استانداردهای دینی تطابق نداشته باشد، آن را به «دیوار بکوبند». پس تحلیل آیینی، یعنی تطبیق دادن متن با ملاک‌ها، الگوها و استانداردهای اسلامی و دینی و تحلیل آثار و پیامدهای یک متن، بر فرهنگ دینی و اجتماعی؛ که در واقع، تحلیل «آیینی» یک متن، به بررسی آثار و کارکردهای آن در اجتماع از منظر دین و آیین، می‌پردازد و میزان تعهد و التزام متن‌های اینترنتی را با دین به آزمایش می‌گیرد. در خیلی از موارد متن‌ها به ظاهر، از اصول، احکام و مضامین آیینی دفاع می‌کنند. ولی در واقع، تیشه به ریشه دین می‌زنند و زمینه‌های مخدوش نشان دادن اصول و مبانی دین را در دنیا فراهم نموده و تصویر بدمنظری از دین به نمایش می‌گذارند.

۴. ناهنجاری؛

در دانش علوم اجتماعی «هنجار» معیار رفتار ثابتی است که در جامعه به لحاظ

فکری یا رفتاری، از فرد و گروه انتظار می‌رود.^۱ بنابراین، «نابهنجار» رفتار خلاف انتظار جامعه می‌باشد. حال رسانه‌هایی که خود را اسلامی می‌خوانند، به طور طبیعی انتظار اجتماعی از آنها، در پیش گرفتن رویه و رفتار نابهنجار است، اما اگر از رسانه‌های اسلامی خلاف رفتارهایی که در فرهنگ اسلامی نسل به نسل انتقال یافته است، سر بزنند؛ به ویژه این‌که خلاف و انحراف در متن‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای باشد، طبعاً نوعی «نابهنجاری» است. به همین دلیل، متن‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای وهابیت، روایت‌های نابهنجار از رخداد‌های تاریخی اسلامی است.

تحلیل انتقادی متن‌های تبلیغی وهابیان

از منظر ارتباط‌شناسی، رفتارهایی که در اثر تبلیغات و دستکاری‌های ذهنی پدیدار می‌گردد، بی‌دوام و زودگذر است و شوری است که خیلی زود فرو می‌نشیند؛ زیرا احساسات، پایه و اساس عقلانی ندارد. فردی که بعد از شنیدن تبلیغات، به جوش و خروش افتاده، بعد از تأمل و دقت دوباره از شور نخستین باز می‌ایستد و منفعل از پیامدهای حرکات احساسی و تصمیم‌های عجولانه خود می‌شود. اما آنچه مایه دردسر است، همین غلیان احساسات شورمندانه مؤمنان است که به خاطر حفظ و حراست از ارزش‌ها به جان هم می‌افتند و در نتیجه «فتنه» در میان مسلمانان خلق می‌گردد و خون‌هایی به ناحق ریخته می‌شود.

در جامعه اسلامی که مذاهب زیادی با تفاوت‌های فقهی و کلامی وجود دارد، حفظ تعادل و برقراری وحدت دینی، از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است؛ اما اختلاف «شیعه» و «سنی» به رغم فعالیت‌های تخریبی در خیلی از کشورهای اسلامی، مایه «فتنه» و ترورهای کور شده است. این پرسش که چرا اختلاف فرقه‌ای در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران در برخی مناطق دنیا، شدت گرفته و متأسفانه فضای برادری دینی را به دشمنی تبدیل نموده و هر ساله مساجد، حسینیه‌ها و آثار فرهنگ و تمدن اسلامی در اثر این فتنه‌ها ویران و انسان‌های زیادی قربانی این خشونت‌ها می‌شود، نیازمند

۱. بروس کوین، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، ص ۲۱، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.

بررسی و تحلیل عوامل این فتنه‌ها می‌باشد. به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی و منبع برانگیزاننده خشونت، تبلیغات رسانه‌ای است که در رسانه‌های مذهبی وهابیان وجود دارد. از همین رو، ما نیازمند تحلیل انتقادی متن‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای وهابیان می‌باشیم. فرض ما بر این است که این متن‌ها روایت‌های ناپهنجاری از رخدادها و حوادث اسلامی ارائه می‌دهد. به همین دلیل، یکی از عوامل تحریک کننده ایجاد ذهنیت‌های متعصبانه و دشمنانه در میان مذاهب اسلامی، همین متن‌های تبلیغاتی در رسانه‌های وهابیان می‌باشد.

الف) تحلیل همنشینی متن‌ها و رویدادها

وهابیان، در متن‌های رسانه‌ای خود، روایات و مستندات شرعی را به گونه‌ای گزینش می‌کنند، که به صورت مجرد و جدا از هم، قابل شناسایی دقیق نیستند؛ مگر برای افرادی که در علم رجال و درایة الحدیث خبره و فرهیخته باشند. از سویی مخاطبان رسانه‌ای اینترنت و ماهواره به طور غالب افرادی هستند که چنین دانشی را کمتر دارند.

از همین رو، باید نگاه مخاطبان به این متن‌ها، همچون سلسله‌ای از رویدادها که نوعی روایت خاص را می‌سازد، در یک متن رسانه‌ای متعلق به وهابیان، وقتی در زنجیره به هم پیوسته‌ای از رویدادها، احادیث و مستندات تاریخی، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد، «ناهنجاری» و عیوب روایی خود را آشکار می‌سازد؛ یعنی این‌گونه روایت و نقل وقایع، با هیچ معیار و ملاکی، قابل انطباق نیست؛ زیرا مستند نبوده و به احادیث و آرای ضعیف متکی می‌باشند. اینها اتهاماتی است که به طور غالب به انظار عوام و افواه روضه خوانان، استناد شده است؛ همانند این متن: «البته اندک کسانی که بر خلاف امت اسلامی راه دیگری در پیش گرفته‌اند و بعضی امامان را از رسول الله در علم و دانش بهتر معرفی می‌کنند، این روایات، در کتبشان مدون شده و ثابت است».^۱ این متن شامل سه تهمت بر شیعیان است:

۱. اینکه شیعه غیر از امت اسلام است؛ زیرا به قول آنان خلاف امت اسلام رفتار می‌کنند.

۱. قلمداران، حیدرعلی، سایت سنی نیوز مقاله پاسخ به دو پرسش، <http://www.sunni-news.com>

۲. شیعیان امامان علیهم‌السلام را در علم و دانش بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ترجیح می‌دهند؛

۳. در کتب و روایات امامیه، چنین بدعت‌هایی ثابت است.

وهابیان در این متن، دروغ‌ها را با شگردهای خاصی به گونه‌ای ارائه داده‌اند که ذهنیت عوام اهل سنت را بر علیه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بشورانند و فتنه ایجاد نمایند؛ زیرا عوام، به ظواهر توجه دارند و از تحلیل دقیق و عمیق قضایا عاجزند. بررسی تطبیقی این سه تهمت که بر شیعیان روا داشته‌اند، و هر سه دروغ است، نشان می‌دهد که وهابیان، شروع به تاریخ سازی بر اساس ایده‌های فرقه گرایانه نموده‌اند.

هر فرد مسلمانی می‌داند که این سه اتهام با رویدادهای تاریخی شیعه به طور اصولی سازگاری ندارد. علی علیه‌السلام بارها مردم را به سیره رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دعوت می‌کردند آن حضرت در اوان خلافت خویش، با امت مسلمان شرط بست که من بر اساس سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عدالت رفتار می‌کنم، که غیر از سیره خلفای پیش از من است. امام حسین علیه‌السلام قیام تاریخی عاشورا را برای احیای دین جدش رسول خدا انجام داد. لذا معلوم می‌شود که شیعه نه تنها برخلاف امت اسلام نیست؛ بلکه امت اصیل اسلام است که بیش از همه‌ی مذاهب، به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نزدیک است و برای زنده کردن سیره او، خون داده است.

اینکه در تاریخ چه جریاناتی رخ داده و چه اتفاقاتی افتاده، الان هیچ مشکلی از جامعه اسلامی را حلاجی و گره‌گشایی نمی‌کند؛ اما طرح این مباحث کهنه تاریخی که در طی قرن‌ها حوادث بسیاری پیرامون آنها، رخ داده و حتی باعث اختلافات زیادی میان مسلمانان گردیده است، در سایت‌های وهابیان، هیچ انگیزه و هدفی جز ایجاد تفرقه میان مسلمانان ندارد.

یکی از سایت‌های وهابیان، به تفصیل پیرامون دیدگاه‌های امامیه قلم‌فرسایی کرده و مدعی شده است که شیعیان، خلفا را غاصب حکومت علی پنداشته و آنان را لعن و

۱. امام علی علیه‌السلام در شورای شش نفره‌ای که به دستور عمر خلیفه دوم برای تعیین جانشین، تعیین شد، شرکت نمود. در آن شورا عبدالرحمن رو به علی کرد و گفت: خلافت در دست توست به شرطی که به سیره رسول خدا و سیره شیخین رفتار نمایند؛ اما امام علی علیه‌السلام فرمود: به سیره رسول خدا رفتار می‌کنم و بس؛ نهج البلاغه، سید رضی، ذیل خطبه ۳ معروف به ششقیه، ترجمه اسدالله مبشری، ج ۱-۲، ص ۷۳.

نفرین می‌کنند، و آن‌گاه با طرح پرسش و پاسخ چنین می‌نویسد: «امامیه می‌گویند: پیامبر در هنگام مردن قصد داشت دربارهٔ خلافت علی علیه السلام چیزی بنویسد، اما نوشت. بر طبق این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله پایهٔ گمراهی را تا ابد در میان امتش نهاد؛ زیرا فرمود: «بنویسم» و هرگز نوشت! یا اینکه قرآن مجید فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ یعنی: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، ولی در واقع کامل نکرده است».

شما ببینید تا چه اندازه این متن‌ها با رویدادهای مستند تاریخی، در تهافت و تعارض است. رویداد غدیر در تاریخ، آن‌چنان روشن است که معتبرترین کتاب‌های حدیثی فریقین آن را به تفصیل و دقیق، نقل نموده‌اند. همین داستان منع قرطاس و دوات توسط خلیفه دوم، در صحیح بخاری و مسلم آمده است؛ اما وهابیان، هیچ‌گاه اصل جریان را به شکل صحیحش نقل نمی‌کنند. در همین داستان، قول خلیفه دوم را که «پیامبر صلی الله علیه و آله از درد هذیان می‌گوید»، حذف کرده‌اند، و آن‌گاه نیش کلمات را به گونه‌ای تند و زننده می‌سازند که از آن، اهانت و بی‌احترامی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فهمیده می‌شود: «اگر این امر به دستور خدا بود، چگونه می‌شود گفت که پیامبر دستور خدا را به خاطر مخالفت عمر ترک کرد؟ به هر صورت رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی نوشت و جانشین تعیین نکرده است.» در حالی که هر عاقلی می‌فهمد، با وضعی که وجود داشت، اگر پیامبر اسلام حتی آن مطلب را می‌نوشت نیز، با انکار و تحریف مواجه می‌گردید و می‌گفتند پیامبر صلی الله علیه و آله که سواد نوشتن و خواندن نداشت، علی خودش این را نوشته و خود را جانشین پیامبر خوانده است؛ همچنان‌که تصریحات و تأییدات او را بر وصایت و جانشینی علی علیه السلام انکار کردند.

بنابراین، وهابیان، در تلاش‌اند تا با تحریف رویدادهای تاریخی، معنا را به گونه‌ای در ذهنیت جمعی جامعه اسلامی القا نمایند، که گویا شیعه، مذهبی بدون ریشه و فاقد هرگونه استناد شرعی و قانونی است. اما این مهم، زمانی از متن‌های وهابیان قابل

۱. المانده/۳.

۲. سایت سلفیون یا اهل جماعت و سنت، <http://sonatha.mihanblog.com/post۹>

استنباط است که ما متن‌ها را در همجواری، همنشینی و همسایگی اصل رویدادهای تاریخی و در پیوستگی با آن، مورد تحلیل و ارزیابی قرار بدهیم، در غیر این صورت، روایت‌ها و حکایت‌های وهابیان، آن‌چنان ظاهر آراسته و عرفی شده‌ای دارد که تا در کنار رویداد اصیل و مستند تاریخی، قرار داده نشود، به هیچ عنوان، سستی و بی‌پایگی آن مکشوف، نمی‌گردد.

به طور مثال، روایت رویداد غدیر، در تلقی وهابیان، یک امری کاملاً شخصی و خصوصی است که به خاطر اختلاف شخصی علی علیه السلام با تعدادی از اهالی یمن، اتفاق افتاده است.^۱ اما وقتی این نوع روایت، با تطبیق به اصل رویداد، مورد مطالعه قرار داده می‌شود، آشکار می‌گردد که روایت وهابیان از غدیر، با رویداد اصیل تاریخی، ناسازگار است. در رویداد اصیل، واقعه غدیر یک حادثه عادی نیست؛ بلکه امری کاملاً فوق العاده و مهم است که برابر با انجام تمام رسالت پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه و آله معرفی شده است و تا یک هفته مسلمانان به صاحب این امر خطیر تبریک می‌گفتند. و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای تبلیغ این امر خطیر از میان مسلمانان، در محضر خداوند شاهد می‌گیرد. پس این حادثه یک امر عادی نبوده است، ولی زمانی فهمیده می‌شود که متن را در همجواری با رویداد اصیل و مستند تاریخی قرار داده و مورد بررسی قرار بدهیم.

ب) تحلیل جانشینی متن‌های رسانه‌ای وهابیان

روش دیگری که ناهنجاری روایی متن‌های وهابیان را آشکار می‌سازد، جستجوی الگوهای پنهان و تقابل‌های نهفته متن‌هاست که در واقع، سازنده معنا هستند. تحلیل ساختی متن‌ها به قول «سوسور» الگویی را ترسیم می‌کند که به طور معمول بر تقابل متضادها متکی است^۲ و همین تقابل‌ها که بیانگر رابطه‌های معناساز است، در تحلیل و

۱. قلمداران، حیدر علی، ماجرای غدیر، سایت خبری و تحلیلی سنی نیوز، <http://www.sunni-news.com/?p=2040>

۲. آسبرگر، آرتور، روش‌های تحلیل رسانه‌ای، ترجمه پرویز اجلائی، ص ۴۰، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳.

شناخت دقیق متن‌های رسانه‌ای وهابیان، نیز راهگشاست. از جمله مباحثی که وهابیان، بسیار پیرامون آن جولان می‌دهند، مسئله «شفاعت» است و اینکه شفاعت از چه کسانی به اذن خداوند ممکن می‌باشد و از چه چیزهایی ممکن نیست. وهابیان، در مسئله شفاعت در متن‌های رسانه‌ای خود، دچار پارادوکس آشکارند که در واقع تشکیل دهنده تقابل متضادهاست. آنها ابتدا شفاعت را مطلقاً شرک می‌پنداشتند، که موارد مستند و متعددی را در بخش عقاید و اعمال وهابیان مطالعه نموده و می‌دانید؛ ولی در برخی از سایت‌ها پیرامون آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿۱۰﴾ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾^۱ بدانید! آنچه را غیر از خدا می‌خوانید، او چیزی خلق نکرده، و خود نیز مخلوق است، اینها مرده و از زندگی بی‌بهره اند، و هیچ حس و شعور ندارند که در چه هنگام مبعوث می‌شوند.

وهابیان، می‌گویند: «یعنی آن اولیا و صالحین مرده‌اند و زنده نیستند، و آنها از مردگان چیزی خواستند که در توان آنها نیست، به خلاف اینکه مرد صالح و نیکوکار زنده باشد، در این حال جایز است که از او چیزی که می‌تواند، خواست»^۲.

در حالی که آیه در مورد بت پرستان و مشرکانی است که بت‌ها را به شکل انسان می‌ساختند و در خیال خود با آنها مثل صاحب شعور و درک رفتار می‌کردند؛ انگار که آنها زنده‌اند. لذا خداوند در این آیه بت‌ها را اموات خوانده و تکرار کرده که آنها زنده نیستند و کاری از آنها ساخته نیست و هیچ ربطی به مردگان صالح، ندارد. گذشته از آن، بر اساس احادیث صحیح و آیات قرآن، انبیا و اولیا و شهدا زنده‌اند و در نزد پروردگار خود مرزوق‌اند. بعد در جای دیگر، تشابهی غیر صحیح می‌سازند و براساس آن، به قیاس مع الفارق دست می‌یازند که: «چه فرقی است بین کسی که بگوید: عیسی فرزند خداست، و بعضی از صفات الوهیت را دارد؛ چنان‌که نصاری چنین می‌گویند، و بین کسی که غیر از خدا را خواسته و معتقد است که به او یاری می‌دهد، و خواسته او را برآورده

۱. نحل / ۲۱-۲۰.

۲. الجهنی، عبدالعزیز ابن عبدالله، توسل جایز و غیر جایز، ترجمه اسحاق ابن عبدالله،

می‌کند؟^۱ در حالی که در سطور قبل، خود همین شخص مدعی بود که می‌شود از صالح زنده در خواستی داشت! آیا مگر درخواست از شخص صالح زنده، درخواست از غیر خدا نیست؟ این است، از جمله پارادوکس‌های وهابیان که به دلیل ظاهرگرایی افراطی و پرهیز از تعمق و ژرفانگری در آیات و روایات، دچار آن گردیده‌اند.

این پارادوکس‌ها همان الگوهای پنهانی است که در متن‌های وهابیان وجود دارد و با تحلیل همنشینی؛ یعنی تقابل‌های دوتایی، خود را آشکار می‌سازد و معلوم می‌سازد که طرح این مباحث، علمی نیست؛ بلکه برای ایجاد شبهه، تردید در ایمان مؤمنان، و تفرقه و نفاق مذهبی میان مسلمانان، به شکل انبوه تولید و نشر می‌گردد.

وهابیان در مورد «شفاعت» در نهایت به اعترافات می‌پردازند که پارادوکس‌ها را جدی‌تر و حتمی‌تر نشان می‌دهد؛ چنانچه می‌گویند: «آری! خداوند به غیر از انبیا به ملائکه، فرزندان مسلمانان که به حد بلوغ نرسیده و مرده‌اند، و بندگان صالح خود از اولیا، اجازه شفاعت می‌دهد؛ اما به خاطر اینکه آنها اجازه شفاعت یافته‌اند، نباید ما از آنها درخواست شفاعت نماییم، زیرا شرک اکبر است و باعث خروج از دین، می‌گردد». می‌بینید که وهابیان در این متن، شفاعت مردگان را هم قبول کرده‌اند، متنها برای کمرنگ کردن این عقب‌نشینی، نوعی تکبر ورزیده و گفته‌اند: ما نباید از آنها درخواست شفاعت نماییم!! غافل از اینکه اگر درخواست شفاعت، از اولیاءالله شرک اکبر بود، خداوند هرگز اجازه شفاعت، به این بندگان صالح خود نمی‌داد و اینکه ما نباید در خواست شفاعت از آنان نماییم، این ربطی به وهابیان ندارد! شما از اولیا و انبیا درخواست شفاعت ننمایید، اما مسلمانان همواره و همیشه تاریخ اسلام، از پیامبر خود درخواست شفاعت می‌کنند، یعنی ما کاری را که خداوند اجازه آن را به پیامبرش داده است، از رسول‌الله می‌خواهیم و این، عبادت و پرستش پیامبر ﷺ و خدا محسوب کردن وی نیست؛ در عصر مدرن و دیجیتال شده امروز، یک کودک هم می‌فهمد که احترام به پیامبر، پرستش او نیست!

بنابراین، تبلیغات رسانه‌ای وهابیان، سیاه‌نمایی‌های موهوم و ترس‌آلود مذهبی است که سراسر، پارادوکس و تناقض‌گویی‌های فتنه‌انگیزانه است و تلاش می‌کنند تا با

بهره‌گیری از شگردها و تکنیک‌های مختلف رسانه‌ای، در ایمان مذهبی مسلمانان، تردید ایجاد نمایند. از همین رو، شیعیان را در «مارپیچ سکوت» سوق می‌دهند و با قطب‌بندی جامعه مسلمان به اکثریت و اقلیت، تلاش می‌کنند که آنان را در مسیری مارپیچی از سکوت و پر اختناق و خفقان قرار دهند که از لحاظ روانی تحت فشار قرار گیرند، و از آن‌سوی، با برجسته کردن پیامدهای شرک و نفاق مشرکان صدر اسلام و ایجاد تشابهاتی میان اعمال مسلمانان معاصر و مشرکان زمان جاهلیت عرب، ترس را به خیال خود، در دل اقلیت ساخته شده، فرو کنند و آنان را نسبت به ایمان و اعتقاداتشان، به شک می‌اندازند.

غافل از آنکه هیچ نسبتی میان حقانیت و اکثریت وجود ندارد؛ این‌گونه نیست که حق همواره دایره مدار اکثریت باشد و اقلیت‌ها همواره ناحق باشند؛ بلکه به عکس، بر اساس منطق قرآن، طرفداران حق همواره در اقلیت هستند. به قول امام علی علیه السلام «وَلَسِنَّ قَلَّ الْحَقُّ فَلَرِيْمًا وَ لَعَلَّ، وَ لَقَلَّمَا أَدْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبِلْ»^۱؛ یعنی اگر طرفداران حق اندک اند، چه بسا زیاد خواهند شد، ولی کمتر اتفاق افتاده که چیزی که پشت کرده دوباره روی بیاورد. معنای این سخن حکیمانه امام علی علیه السلام آن است که همواره حق را تعداد اندکی پاس می‌دارند؛ زیرا گرویدن به حق، و ماندن در آن، دشوار است. اما این، یک شگرد است که وهابیان، برای درفشار و منگنه روانی قرار دادن مخالفان خود، انگاره سازی می‌کنند، اقلیت و اکثریت می‌سازند و از آن روی، در میان مسلمانان جدایی و تفرقه پدید می‌آورند.

وهابیان در نهایت به آنچه که ما اعتقاد داریم رسیده و اذعان می‌دارند که: «به شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اینکه اولین شفاعت‌کننده و مجاز برای شفاعت است، ایمان دارم، و به غیر از اهل بدعت و گمراهی، هیچ‌کس شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نمی‌کند. اما این شفاعت تنها پس از اجازه و رضایت خداوند است که انجام می‌گیرد»^۲.

البته نفرین بر کسانی که منکر این مهم هستند، که شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با اجازه خداوند است! مگر مسلمانان معتقد به شفاعت آن حضرت، می‌گویند که پیامبر بدون اجازه

۱. نهج البلاغه، خطبه شانزدهم، ج ۱، ص ۱۰۳.

۲. الکثیری، سعید بن عبدالله، محمد بن عبدالوهاب پیشوای نهضت اصلاحی معاصر، پایگاه بزرگ‌ترین کتابخانه الکترونیکی فارسی اهل سنت (وهابیت)

خداوند شفاعت می‌کند؟! سخن اصلی، اساسی و همیشگی آنها خطاب به وهابیان، این - است که: خداوند بر اساس آیات قرآن اجازه شفاعت به پیامبرش را داده و آن حضرت هم با اجازه خداوند شفاعت می‌کند و مسلمانان با آگاهی به اینکه رسول الله ﷺ در نزد پروردگارش، چنین مقامی دارد، از ایشان درخواست شفاعت در نزد خداوند را می‌کنند. اگر حرف وهابیان این است که ما اختلافی نداریم؛ چرا در سایت‌های خود این همه بلوا آفریده اند، و مسلمانان را به پرستش اولیاء الله متهم کرده‌اند.

با بررسی‌هایی که نگارنده انجام داده به این نتیجه رسیده است که وهابیان، در آنچه ادعا می‌کنند، صادق نیستند، آنها ادعای اصلاح مذهبی دارند؛ اما در عمل به ایجاد فتنه و تردید در ایمان مسلمانان، می‌پردازند. بدیهی است، در هیچ جای دنیا و در هیچ منطق انسانی، فتنه افروزی‌های کینه‌توزانه مذهبی را اصلاح مذهبی تلقی نمی‌کنند. آیا مگر با تکفیر، اتهام، دشنام، تحریف تاریخ، جعل و دستکاری منابع روایی، دروغ‌گویی و تحمیق مردم، تحریک به ترور و ایجاد ناامنی، اصلاح در میان امت اسلام، به وجود می‌آید؟ و آیا با چنین اعمالی، رضایت خداوند حاصل می‌آید و بهشت ارزانی مرتکبان چنین اعمالی می‌شود؟. گذشته از آن، وهابیان اقلیتی هستند که خود را در پشت اکثریت اهل سنت پنهان می‌کنند و این خود دلیلی است بر عدم صداقت و پاکی نیت آنان.

ج) تحلیل آیینی متن‌های رسانه‌ای وهابیان

زمانی «دورکیم» در جامعه شناسی دین، تجلیات فردی دین را مطرح کرده و از جهان نمادین و امور مقدس، سخن به میان آورده بود. در نظریه «دورکیم» هنگامی که نمادها آفریده می‌شوند، تا مدتی به زندگی خویش ادامه می‌دهند؛ اما تجلیات جمعی این نمادها چیزی فراتر از تجلیات فردی آن، بروز و ظهور پیدا می‌کند^۱ و به عنوان یک کلیت، بر فرد فائق آمده و او را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد؛ زیرا تجلیات جمعی نمادها، شبکه زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد.

در دین مبین اسلام به عنوان امر قدسی، جهان نمادینی با کلام وحی توسط پیامبر

۱. لین اسکافیلد کلارک و استوارد ام. هوور، باز اندیشی در باره رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه: مسعود آریایی، نیات انتشارات سروش، مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌ای، تهران ۱۳۸۵، ص ۱۸۸.

اسلام ﷺ خلق گردید که تجلیات فردی و جمعی متفاوت و متنوعی را به وجود آورده است. از همان آغاز، که این نماد مقدس خلق شد، بعد از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، تجلیات جمعی این نماد مقدس به صورتی خود را آشکار نمود که غیر از تجلیات فردی آن بود. با اینکه تجلیات فردی، بخشی از این جهان نمادین بود که با تعیینات و اشارات همان کلام وحی «ما یطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی»^۱ تشخیص نمادین یافته بود، اما در عین حال، تجلیات جمعی آن، به گونه دیگری از آب درآمد و این تجلیات جمعی به دلیل مصالح کلان‌تر، بر تجلیات فردی علی علیه السلام فائق آمد. او که خود را در میان اصحاب پیامبر ﷺ سزاوارترین فرد برای هدایت کشتی نمادین اسلام، در اقیانوس بی‌کران انسانی می‌دانست، به ناچار، تن به این تجلیات جمعی دادند. علی علیه السلام در نهج‌البلاغه خطبه سوم معروف به شقشقیه می‌فرماید: «اما والله لقد تقمصها فلان وانه لیعلم ان محلی منها محل القطب من الریح»؛ بدانید! به خدای سوگند که فلانی جامه خلافت را بر تن کرد؛ حال آنکه می‌دانست جایگاه من در جانشینی پیامبر همچون محور، در سنگ آسیاست.

و هابیان، آن‌گاه که ادعا می‌کنند، علی علیه السلام هیچ‌گاه بر جانشینی خود بعد از پیامبر ﷺ استدلال نکرده است^۲، از درک این کلام عمیق علی علیه السلام عاجزند و نقش «محور» در سنگ آسیا را نمی‌دانند. به هر روی علی علیه السلام ادامه می‌دهد: «ناچار من از آن چشم پوشیدم و کناره گرفتم؛ زیرا بر دوراهی قرار داشتم که یا با دست بریده به پیکار پردازم یا در میان تیرگی کورکننده‌ای که سالخوردگان را فرتوت می‌ساخت و خردسالان را سالخورده می‌نمود و مؤمنان را چندان رنج می‌داد تا به پروردگارشان بپیوندند، شکیبایی ورزم سپس می‌فرماید: «فرایت ان الصبر علی هاتا احجی، فصبرت و فی العین قذی، و فی الحلق شجی»؛ آن‌گاه دیدم شکیفتن در آن ظلمت، شایسته‌تر از ستیز است. پس، با آنکه می‌دیدم میراثم را به غارت می‌برند، مانند کسی که خارش، در چشم نشسته و استخوانش، در گلو شکسته باشد، شکیبایی ورزیدم و بسان پرنده‌ای آنان را در پرواز

۱. نجم / ۳-۴.

۲. قلمداران، حیدر علی، ماجرای غدیر، سایت خبری و تحلیلی سنی نیوز، <http://www.sunni-news.com/?p=20>

یاری کردم».^۱

بعدها همان تجلیات جمعی، به صورت متنوع و متکثری تجزیه گردید و مذهب‌ها و مشرب‌های فکری و علمی بسیاری را پدید آوردند. این تجلیات نمادین متون مقدس، که همه خود را برحق می‌دانند، شبکه زندگی اجتماعی مسلمانان را شکل می‌بخشد و مفاهیمی را در ساختارهای اجتماعی ایجاد نموده و از این طریق، به باز آفرینی جامعه مسلمانان به وسیله ارتباطات و تعاملات جمعی می‌پردازند.

فهم شیعی به عنوان جزء به هم پیوسته‌ای از تجلیات جمعی فهم‌های متنوعی چون مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی، زیدی و... بسان ستاره فروزان در آسمان جهان نمادین اسلامی، حضور داشته است؛ یعنی جزء ناگسسته همان فهم‌های متون مقدس است، که همانند دیگر مذهب‌های اسلامی بر اساس همان متن مقدس، خود را برحق می‌دانند و آیات و روایات زیادی را در طول قرون متمادی بر حقانیت خویش اقامه نموده‌اند؛ چنانچه دیگر مذاهب اسلامی چنین کرده‌اند. وانگهی فهم شیعی متکی بر استوانه‌های بلندی است که به اعتراف دوست و دشمن، دانشمندترین کسان، در میان امت اسلام بوده‌اند.^۲ امام علی علیه السلام و دو امام باقر و صادق علیهم السلام با انقلاب‌های علمی خود، تحولات سترگی را در عالم اسلام و سپهر علمی آن پدید آورده‌اند. آن‌سان‌که دانشمندان بزرگی که هر کدام، مذهب‌ها و مشرب‌های فکری مختلفی را ایجاد کرده بودند، از چشمه پرفیض افکار و علوم آن امامان ژرف بیان، بهره برده‌اند؛ مانند امام ابوحنیفه، امام مالک و دیگران که در سراسر جهان اسلام پراکنده بودند. این امر، بر استواری و استحکام تئوریکی فهم شیعی دلالت دارد. فهم، خود از مقوله‌های دارای تشکیک می‌باشد و دارای سطوح متفاوت است. از آنجا که فهم عمیق دین و قرآن را جز پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان حامل وحی، اهل بیت علیهم السلام به عنوان اوصیای آن حضرت، دیگران نمی‌دانند، فهم شیعی متصل به خاندان وحی است؛^۳ از این رو، کامل‌ترین و متقن‌ترین فهم در میان فهم‌های

۳۳



تلیفات رسانه‌ای وهابیان

۱. نهج البلاغه، بخش خطبه‌ها، خطبه سوم، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، ج ۱. دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۳. ص ۶۸.

۲. الکافی، ابوجعفر محمدابن یعقوب کلینی رازی، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷۸.
۳. الکلینی الرازی، محمدابن یعقوب، اصول کافی، ترجمه هاشم محلاتی وسید جواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۴. ج ۱. ص ۶۸.

متنوع اسلامی است.

از آن سوی، فهم‌های دینی به رغم حفظ روح و جان‌مایه قدسی‌اش، تحولات چشم‌گیری را در حیات علمی خود تجربه نموده‌اند و در هر دوره، تجلیاتی یافته است که با دوره قبلی متفاوت بوده‌اند. امروزه با وجود رشد و توسعه وسایل ارتباطی، این تجلیات نمادین، بسیار متنوع و حتی صورت‌های افسون‌گرانه پیدا کرده‌اند. شفاعت، توسل و زیارات، همگی تجلیات امور قدسی و آیینی دین مبین اسلام هستند؛ نه تنها مظاهر شرکی ندارند، بلکه تجلیات جمعی ساختارهای پیچیده فرهنگی و اسطوره‌های نمادین اسلامی می‌باشند که مهم‌ترین عامل خلق و ماندگاری آنان، نیات پاک و خالصانه مسلمانانی است که به قصد تقرب به خدای تعالی آن را انجام می‌دهند. از آنجا که این نیات، پاک و خدایی است، اعمال آنان نیز، تجلیات امور قدسی و از شعائر دینی، محسوب می‌گردد و دارای وجه شرعی و منطقی می‌باشد؛ زیرا آیین در تعریف وسیع آن، فعالیتی است که موجب گذار و انتقال آدمی از جهان فانی به جهان باقی می‌شود و در آن، زندگی هر روز متحول می‌گردد و در واقع آیین، نمایش یک فعل است^۱ به نام «شدن» که انسان با ورود به آن، شخصیت خویش را شکل می‌بخشد و خویش را آراسته و پیراسته انتقال از این مرحله به مراحل بالاتر و والاتر می‌سازد.

با اینکه دین، با همین تجلیاتش آشکار می‌گردد، اما وهابیان، به دلیل افکار متصلبانه و بی‌سرانجام خود، از درک و شناخت دقیق این تجلیات دینی، به دورند. بستن گستره‌های عقلانیت فردی و جمعی، به‌ویژه در استنباط احکام دینی، به محدودیت دین و مهیا ساختن زمینه‌های عرفی شدن آن، کمک نموده است. متن‌های رسانه‌ای وهابیان، که در برابر شعائر دینی و تجلیات عصری آن، سامان می‌پذیرد، همه به محدودیت دین و ناکارآمدی ساختارهای فرهنگ دینی، انجامیده است. گذشته از آن، رد و انکار بخشی از تجلیات دینی، آن هم با برچسب‌های شرک و کفر، موجب کاستی‌های بی‌شمار در اندیشه دینی گردیده که مسلمانان را از پیشرفت و ترقی بازداشته است.

۱. لین اسکافیلد کلارک و استوارد ام. هوور، بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه: مسعودآریایی نیا، انتشارات سروش، مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌های، تهران ۱۳۸۵، ص ۲۴۳.

۱. ایستایی و رکود اندیشه

وهابیان در متن‌های رسانه‌ای خود، چیز جدیدی ندارند. تمام آنچه را که نشر می‌دهند، مربوط به قرن دوازده و از اندیشه‌های محمدبن عبدالوهاب و امثال وی است. وهابیان، با بلغور اندیشه او، موجب ایستایی و رکود در اندیشه دینی مسلمانان، گردیده‌اند. محمدبن عبدالوهاب در زمان خود، به رغم اشتباهات فاحشی که داشت، به عنوان یک اندیشمند، نسبت به زمانش حساس بود. از همین رو، اصلاح‌گری وی گرچه به کشتار و فجایعی بی‌شمار انجامید، اما او به اقتضای عصرش پاسخ گفت و اندیشه‌های خود را طرح کرد. لیکن اندیشه او، وحی منزل نیست؛ بلکه صرفاً تراوشات فکری اوست که متأثر از زمانه‌اش می‌باشد. وهابیان با طرح بازگشت به دوران سلف صالح، که میراث فکری محمدوهابی است، در واقع، مسلمانان را به سیر فقه‌رایی دعوت می‌نمایند و باعث نادیده انگاری شعائر جمعی می‌گردند که همگی به رشد و تحول اندیشه دینی دلالت می‌نمایند.

۳۵



تبلغات رسانه‌ای وهابیان

اما وهابیان، فقط گفته‌های ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب را تکرار می‌کنند. اگر به آنها گفته شود که در زمان پیامبر ﷺ خیلی از مسلمانان به ایشان متوسل می‌شدند و آن حضرت برای آنان، دعا و استغفار می‌نمودند، آنها در پاسخ، آیاتی را که در مورد شرک است، به ضمیمه استشهادات ابن تیمیه و محمد وهابی می‌آورند و برخلاف آیات قرآن، پیامبران و اولیاءالله را مرده می‌پندارند: «هرگاه بپذیریم برای تمام گناهان نیز می‌توان به رسول خدا ﷺ توسل جست، این مربوط به زمان حیات پیامبر است، و نمی‌توان آیه را مأخذی برای توسل به او بعد از رحلتش قرار داد که شیعیان در قم و تهران، فریاد «یا رسول الله! إنا توصلنا إلیک و استشفعنا بک» را سر می‌دهند»^۱.

اگر در جواب وهابیان گفته شود که در قرآن فقط در سوره صافات پنج مورد وجود دارد که به پیامبران پس از حیاتشان، سلام فرستاده شده است و این نشان‌دهنده آن است که ارواح انبیا و اولیاءالله زنده می‌باشند، وگرنه سلام گفتن بر آنها لغو و بیهوده است.

۱. محمدی، ابراهیم، عیانات نقدی بر نوشته‌های دکتر تیجانی، پایگاه اینترنتی بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی اهل سنت (وهابیت)

همچنین خداوند در قرآن پیامبرش را خطاب قرار داده، می‌گوید: «از رسولان قبل از خودت سؤال کن»^۱ اگر ارواح طیبه رسولان الهی بعد از رحلت، زنده نباشد، پیامبر چگونه از آنان در مورد دنیا سؤال نماید؟ در سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۷۰ درباره زیارت قبور حدیثی از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که فرمودند: «هیچ کس بر من سلام نمی‌فرستد؛ مگر اینکه خداوند (آن را) بر روح من برمی‌گرداند، تا من سلام او را جواب دهم». براساس این حدیث شریف، روح پیامبر از آنچنان توانایی برخوردار است که میلیون‌ها سلام را در شرق و غرب عالم امکان، جواب می‌دهند.^۲ از این‌گونه استشهادات قرآنی و حدیثی به علاوه اشارات ارباب کشف و شهود، بسیار وجود دارد که همگی ثابت می‌کند که روح انبیا و اولیاءالله جاودانه و زنده می‌باشد و اگر مسلمانی به قصد تقرب به خداوند به آنها متوسل گردد، هیچ اشکالی ندارد. اما وهابیان، بازهم در پاسخ، آیاتی از قرآن را که درباره مشرکان است تلاوت کرده و نتیجه می‌گیرند که مسلمانان عموماً مشرک شده‌اند؛ زیرا به پیامبران و امامان متوسل شده‌اند. این‌گونه اندیشه‌های متصلب و بی‌سرانجام، جامعه را از اندیشه و تفکر باز می‌دارد و بر مدار بسته زندگی درگذشته رهنمون می‌گرداند و این خود، عین پس‌ماندگی و ایستایی درجهل و ظاهربینی افراطی است که در متن‌های رسانه‌ای وهابیان فراوان دیده می‌شود.

۲. مطلق انگاری متعصبانه

وهابیان، در متن‌های رسانه‌ای و اینترنتی خویش، بر فهم شیعی هجوم می‌برند و آن را فاقد ریشه و دلیل متقن قرآنی معرفی می‌کنند؛^۳ در حالی که در سطور پیش بیان شد که فهم شیعی جزء به هم پیوسته فهم‌های متنوع اسلامی است که همه براساس آیات قرآن و روایات پیامبر اسلام ﷺ شکل گرفته است و همه این فهم‌ها تجلیات متون وحیانی و مقدس است و اینکه وهابیان به شکل متعصبانه تمامی این تجلیات را نادیده

۱. ر.ک: زخرف / ۴۵.

۲. آیت الله محسنی، محمد آصف، توحید اسلامی و نظری بر وهابیت، ص ۶۱، دفتر حرکت اسلامی افغانستان، پشاور پاکستان، ۱۳۷۷، ص ۶۱.

۳. قلمداران، حیدر علی، ماجرای غدیر، سایت خبری و تحلیلی سنی نیوز، <http://www.sunni-news.com/?p=2040>

می‌گیرند و بر اساس استنباطات ناقص که محصول دوره‌ای بوده که به لحاظ ماهیتی با زمان فعلی تفاوت ماهوی پیدا کرده است، به رد و انکار حقایق بسیار روشن تاریخی می‌پردازند که شاخصه‌های عینی مطلق انگاری متعصبانه می‌باشد.

در فصل‌های پیشین پیرامون اندیشه محمد وهابی به تفصیل نگاشتیم که به طور اصولی اندیشه وی محصول دورانی بود که شاهان صفوی در ایران در رقابت با دولت عثمانی، به کشتار سنیان می‌پرداختند. و محمد بن عبدالوهاب در خونخواهی و انتقام از جریان دولتی شیعی، به کشتار شیعیان در عراق و عربستان مبادرت می‌نمود؛ فضایی که شکیبایی در سنجش حق و حقیقت جریان‌های درگیر، اصلاً وجود نداشته است. دوران کنونی با آن دوره بسیار متفاوت است، اما وهابیان، به دلیل افکار متصلبانه و مطلق‌انگارانه‌ای که جز خود، دیگران را همه بر باطل می‌پندارند، هیچ‌گاه این تفاوت فاحش را احساس نمی‌کنند و متن‌های رسانه‌ای وهابیان، به طور کلی، در چنین فضایی که دشمنی و تعصب در آن، موج می‌زند، تولید و نشر می‌گردد. از همین روی آنان نه می‌توانند به حقیقت برسند و نه می‌توانند باری از عقده‌های خود را خالی کنند؛ لذا این قلم اعتقاد دارد که وهابیان، به خاطر اینکه در چنین فضای دشمنانه و متعصبانه‌ای، که از آن، کینه و نفرت می‌بارد، زندگی می‌کنند، نمی‌توانند ببینند که شیعه و سنی دوشادوش هم در سنگر واحد در مقابل دشمنان مشترک قرار دارند و در بسیاری از کشورها در مراسم‌های آیینی مشترک، شرکت می‌نمایند؛ از همین روی، وهابیان، هر متنی و سخنی که از خود بروز می‌دهند، در راستای دشمنی و ایجاد تفرقه و نفاق مذهبی میان مسلمانان، بوده است.

۳۷



تبلیغات رسانه‌ای وهابیان

۳. تصویر بدمنظر آیینی

دین که مقوله فراتاریخی است، جنبه اسطوره‌ای دارد و اسطوره‌ها جزء پدیده‌های طبیعی رازآلود و ماندگار است. کاری به تاریخ و زمان خاصی ندارد و در هر دوره قابل احترام است^۱ و همین راز آلودگی دین است که تحولی بنیادین، در قلب‌ها و ذهن‌ها

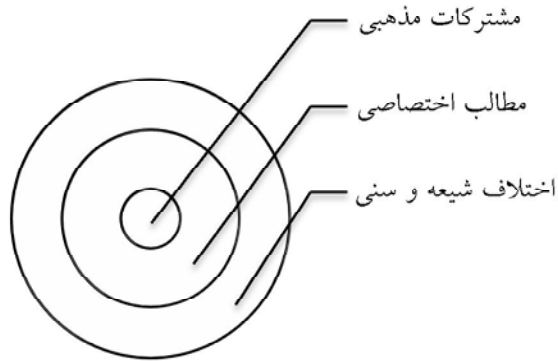
۱. لین اسکافیلد کلارک و استوارد ام. هوور، بازاندرشی درباره رسانه، دین و فرهنگ، ترجمه: مسعودآریایی نیا، ص ۱۴۳، انتشارات سروش، مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌ای، تهران ۱۳۸۵.

ایجاد کرده و دل‌ها را تسخیر می‌کند. اگر تصویری که از دین در رسانه ارائه می‌شود، تصویر متصلبانه، خشک و کلیشه‌ای باشد، پیروان و متدینان دینی نیز رفته‌رفته کم خواهند شد؛ زیرا دین بی‌روح و خشک را کسی نمی‌پسندد و چنین دینی، نمی‌تواند هیچ تحولی در قلب انسان و جامعه انسانی ایجاد کند.

تجلیات آیینی و مناسکی دین مقدس اسلام، در میان مسلمانان به مثابه واکنش‌های رازمندانانه به دعوت دین و تأثیر شگرف روحی و روانی آن است. و از آن روی، انعکاس درونی آن محسوب می‌گردد. حال، اگر این منظر بیرونی دین، که در رسانه و متن‌های الکترونیکی تجلی پیدا می‌کند و باید انعکاس درون آن باشد، آن‌چنان زشت، کینه‌توزانه و وحشیانه ترسیم شود که مخاطبان جهانی وقتی آن را مشاهده نمایند، به جد، از دین، فاصله بگیرند، هرگز پسندیده نیست و نه تنها رضایت و خوشنودی خداوند را فراهم نمی‌آورد، بلکه موجب خشم و سخط الهی است.

با توجه به اقتضای عصر مدرن، و رسانه‌ای شدن فرهنگ و دین، جهانیان وقتی پیرامون دینی مطالعه می‌کنند، به سراغ اعمال و مناسک دینی که در رسانه‌ها انعکاس پیدا نموده است، می‌روند، و از این روی، رسانه‌ها و متن‌های رسانه‌ای، مهم‌ترین منبع علمی و اطلاعاتی شناخت ادیان محسوب می‌گردد. به همین دلیل، نباید این عرصه را به صحنه منازعات فرقه‌گرایانه مذهبی تبدیل نمود. متن‌های رسانه‌ای وهابیان، به عنوان بخشی از تبلیغات رسانه‌ای آنان، بزرگ‌ترین نقش را در تبدیل کردن این عرصه، به منازعات فرقه‌ای داشته است؛ زیرا بخش عمده مطالب علمی و خبری این وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌ها را مقاله‌ها، کتاب‌ها و منشورات اختلاف‌برانگیز، تحریک‌کننده، متعصبانه و فرقه‌گرایانه تشکیل می‌دهند.^۱

۱. به عنوان نمونه به بزرگ‌ترین کتابخانه الکترونیکی فارسی مربوط به وهابیان مراجعه نمایید؛ خواهید دید که ۹۰ درصد این کتاب‌های الکترونیکی، همه در موضوعات مورد اختلاف شیعه و سنی به‌ویژه امامت، عصمت، خمس و حضرت مهدی (عج) اختصاص یافته است؛ ر.ک: کتابخانه الکترونیکی فارسی اهل سنت وهابیت) <http://islamtxt2.somee.com/133porsesh-va-pasokh-dar-morede-shia.zip>



رویکرد متن‌ها به گونه‌ای است که با ترفندها و شگردهای به کار رفته، محور، ایجاد اختلاف است؛ یعنی پرداختن به مطالب مشترک شیعه و سنی، تبلیغ آیین وهابیت، و دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، با نگاه یکسان نگریسته می‌شود؛ بلکه هر دو گزینه نخست تحت پوشش مطالب اختلافی شیعه و سنی انجام می‌گیرد و در واقع، هدف اصلی متن‌های رسانه‌ای وهابیان، پرداختن به مسائلی است که فتنه و کدورت تاریخی شیعیان با سنیان را که محصول دوران‌های گذشته بوده، در دوران کنونی زنده کرده و به جریان اندازند. متن‌های رسانه‌ای وهابیان، فضایی را ترسیم می‌کنند، که برادر شیعه و برادر سنی، هیچ‌گاه به هم اعتماد نکنند، و تا می‌توانند نسبت به هم، به دیده تردید بنگرند؛ به‌ویژه که فتوای زنجیرهای علمای وهابی که در سال‌های اخیر رنگ و بوی کینه‌توزانه‌ای به خود گرفته، کشتن برادر شیعه را مجالی برای راهیابی به «بهشت» و رستگاری عاملان آن، ارزیابی می‌کنند.

نتیجه

از آنچه در این مقال و مجال نگاشتیم، به این نتیجه می‌رسیم که متن‌های رسانه‌ای وهابیان، نوعی ناهنجاری روایی در عرصه فرهنگ دینی است. در پارامتر نخست، به تحلیل همجواری و همنشینی متن‌های وهابیان، از طریق قرار دادن آن، در یک سلسله‌ای از رویدادها، پرداختیم؛ یعنی با تطبیق روایت‌های رسانه‌ای وهابیان، با رویدادهای اصیل، معلوم شد که وهابیان با دستکاری روایت‌ها، به تحریف رویدادهای تاریخی می‌پردازند. البته که به کارگیری شگردهای تبلیغاتی و ترفندهای پیچیده رسانه‌ای، این کار وهابیان

را در سایه پنهان‌کاری‌های عامدانه‌ای قرار می‌دهد که از چشم مخاطبان عرصه مجازی مخفی می‌ماند.

در مرحله دوم، با شکل دادن تقابلهای دوتایی دوتایی متن‌های وهابیان، به پارادوکس‌های آشکاری اشارت رفت که در متن‌های وهابیان وجود دارد و نشان می‌دهد که آنان، از حقانیت علمی برخوردار نیستند؛ اما در مقابل، از مهندسی فکری منظمی بر محور اهداف از پیش تعیین شده، هرچند غلط، برخوردارند و تلاش می‌کنند برای پیشبرد اهداف خود، از هر وسیله‌ای کمک بگیرند.

در پارامتر پایانی این فصل، به تحلیل آیینی متن‌های وهابیان پرداخته شد و اینکه تبدیل عرصه رسانه به منازعات فرقه‌ای، به بدنامی دین در دنیای مدرن می‌انجامد و این، به لحاظ آیینی، تبلیغات ضد دینی می‌باشد؛ زیرا دین را محدود نموده و زمینه «عرفی» شدن دین یا «سکولاریزه» کردن آن را فراهم می‌آورد و این، همان «ناهنجاری» روایی متن‌های وهابیان است که به فتنه و نفاق مذهبی می‌انجامد.

و در نهایت، به این پرسش که چرا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هجمه‌های وسیعی بر علیه شیعه صورت می‌گیرد و چرا برادری دینی که قرآن به عنوان معتبرترین و متقن‌ترین منبع دینی، مسلمانان را به آن فراخوانده است، نادیده گرفته شده است؟ پاسخ داده می‌شود که «وهابیان» پس از انقلاب اسلامی، نگران نفوذ و اعتلای شیعه و نهادینه شدن فرهنگ وحدتی هستند که امام خمینی (ره) منادی آن بود و مسلمانان امروزه خواهان آن می‌باشند. به همین دلیل به دستکاری تاریخ و انحراف اذهان مسلمانان، می‌پردازند.